

## 60 درصد زنان علاقه‌ای به کار ندارند

آن زمان گذشت که يك نفر کار می‌کرد و می‌توانست خرج خانواده خود را بدهد، کمی پس‌انداز کند...



آن زمان گذشت که يك نفر کار می‌کرد و می‌توانست خرج خانواده خود را بدهد، کمی پس‌انداز کند و حتی خود را ملزم بداند که به پدر و مادر خود هم کمک کند. نمی‌توان فضای امروز را با دو دهه پیش مقایسه کرد. حالا حتی خوشبختی و بدبختی نسل سوم و چهارم با نسل اول و دوم کاملاً متفاوت است. زنان در پی احقاق حق خود هستند و در این راه پا به عرصه کار گذاشتند. بسیاری هم به دلیل اجباری که داشتند به بازار کار آمدند و در کنار مردان کار می‌کنند.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از روزنامه تهران امروز؛ جوانان در فضایی متفاوت زندگی می‌کنند. توقعات بالا رفته و به سویی تجمل‌گرایی می‌رود. با آنکه هر روز يك دستگاه جدید برای آسان شدن کارها به بازار عرضه می‌شود اما حوصله‌ها و تحمل هم کمتر شده است. برای رسیدن به این کالاهای لوکس هم باید پول داشت. چیزی که باعث شده بسیاری از جوانان حتی سه شیفت کار کنند و دیگر وقتی برای در کنار خانواده بودن نداشته باشند. اعضای خانواده هر کدام به دنبال کار خود هستند و بعد از آنکه به خانه می‌آیند نیز آنقدر خسته‌اند که دیگر توان محبت کردن به یکدیگر را ندارند. البته نباید همه چیز را به خانواده و چشم‌و هم‌چشمی و فضای تغییر کرده نسبت داد. این روزها گرانی هم بیداد می‌کند. چه کسی باور می‌کرد خودرو که همه قیمت 7 میلیونی آن را زیاد می‌دانستند به بیش از 15 میلیون برسد. قیمت خانه و اجاره خانه هم که سر به فلک کشیده است.

در سال جدید هم مردم منتظر نرخ جدید تورم هستند تا بدانند چقدر باید کار کنند تا شاید بتوانند در این مارا تن به گردپای تورم برسند.

علي ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌گوید که در آینده دیگر داشتن يك شغل در خانواده کیفیت نمی‌کند و باید 2 نفر کار کنند. این در حالی است که گزارش‌های مرکز آمار ایران اعلام می‌کند با وجود بالا رفتن تعداد مردان و زنان شاغل، نرخ مشارکت زنان دست‌کم يك دوم مردان است و در نقطه مقابل نرخ بیکاری آنها بیش از 2 برابر مردان است که شاید نشان‌دهنده مقاومت جامعه در اشتغال زنان باشد. با تغییر سبک زندگی و شیوه تربیتی که به سویی سوادمحوری سوق پیدا کرده نه مدرک محور، همه چیز تحت‌تأثیر تحصیلات و سواد است. اما تحصیلات هم تاکنون نتوانسته راه نجات اصلی بیکاری جوانان باشد.

طبق آخرین گزارش‌های مرکز آمار ایران تعداد بیکاران کشور بین 2.5 تا 3 میلیون نفر است که تا يك میلیون نفر آن را زنان متقاضی کار و اغلب تحصیل‌کرده دانشگاهی تشکیل می‌دهد. اما طبق برآوردهایی از سویی برخی وزرای دولت مانند وزیر اقتصاد و کار، این تعداد در آینده نزدیک با ورود 4.5 میلیون دانشجو به بازار کار تا سطح 8 میلیون نفر نیز افزایش می‌یابد. از آنجایی که حداقل 65 درصد جمعیت دانشگاهی کشور را زنان تشکیل می‌دهند، بنابراین اگر حتی نیمی از آنان نیز بخواهند متقاضی ورود به بازار کار شوند در آینده تعداد زنان متقاضی کار به بیش از 2 میلیون نفر خواهد رسید. در این آشفتگی بازار اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تنها چیزی که مهم نیست روح فرزندانمان است. آنها هم به نبود پدر و مادر شاغل خود عادت کرده‌اند. فقط دلخوش به اینند که با این همه کار آینده بهتری در انتظارشان باشد و انگار با طلبکار بودن از پدر و مادر می‌خواهند خلأ محبت خود را جبران کنند.

60 درصد از این بانوان راضی به اشتغال نیستند

يك آسیب‌شناس با بیان اینکه از آنجا که گذران زندگی نیاز به درآمد دارد، شغل به عنوان پذیرش مسئولیت و انجام آن در دو بخش دولتی و غیردولتی معرفی می‌گردد، به تهران امروز می‌گوید: در تعریف شغل از نگاه رفتارشناسی باید گفت مسئولیت و ایفای آن ارائه خدمت اعم از اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی، صنعتی و فنی می‌تواند وسیله امرار معاش انسان قرار گیرد. در روزگار ما به علت نیاز به نیروی انسانی و تخصص‌های گوناگون علاوه بر مردان، زنان نیز وارد بازار کار شدند.

از اینجا به بعد خانواده‌های شاغل در جامعه ظهور یافتند. خانواده‌هایی که زن و شوهر هر دو از صبح تا غروب مشغول کار بوده و غروب خسته از کار به خانه برمی‌گردند، دیگر نه حوصله بچه‌داری و روابط عاطفی باقی می‌ماند و نه فرصت قصه گویی و

لالایی. وظایف زناشویی نیز به شکل یک وظیفه غریزی شبیه غذا خوردن گشته است. فرزندان در حسرت نشستن در کنار پدر و برزنوی مادر هستند و مهدهای کودک نقش مادران را ایفا می‌کنند. در مقابل این سخن که بهترین وظیفه برای زنان همسری و مادری است، عده‌ای با انگ تهاجم به حقوق زنان و تقویت فرهنگ مردسالاری صاحبان این نظریه‌ها را وادار به سکوت می‌کنند و بهانه اینکه درآمد یک نفر کفاف اجاره و مخارج زندگی را نمی‌دهد تا چه رسد به فرزندآوری و هزینه ساختن برای فرزندان.

دکتر مجید ابهری در ادامه می‌افزاید: ظهور خانواده‌های شاغل مقدمه‌ای بر افزایش خانواده‌های هسته‌ای، بی‌فرزند و تک‌فرزند می‌گردد که خطر خانواده‌های هسته‌ای برای جامعه ما از بمب هسته‌ای بیشتر است. اگر فرزندی به دنیا می‌آید فقط به خاطر این است که نسل پایان نپذیرد و پدر و مادر محکوم به اجاق کوری نگردند. تازه سخن از فرزندآوری و تعدد فرزندان در خانواده‌ای که یک فرزند با دشواری پدر و مادر را می‌بیند. در حقیقت اگر امرار معاش در دوران تورم و گرانی مقدور باشد آیا واقعا اشتغال زنان ضرورت دارد؟ البته نمی‌توان جایگاه و مقام ارزشمند زنان در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را نادیده گرفت چرا که امروزه بانوان لیاقت خود را در اکثریت زمینه‌ها به اثبات رسانیده‌اند. در این حقیقت شکی وجود ندارد اما موضوع روابط عاطفی و خانوادگی خانواده‌هاست. در بعضی از خانواده‌ها که نیاز مالی چندانی وجود ندارد، باز ملاحظه می‌کنیم که زنان به دنبال اشتغال هستند. دورکاری و اشتغال‌های پاره وقت برای آنکه از نبوغ و اندیشه و توانایی فکری بانوان در جامعه محروم نگردیم مناسب‌ترین روش‌هاست و حمایت دولت از فرزندآوری نه در صحبت و همایش و مقاله بلکه در عمل و واقعیت می‌تواند راهگشای جلوگیری از پیری جمعیت گردد.

به گفته وی، در خانواده‌هایی که زنان اجبار به اشتغال دارند، مردان باید در بعضی از امور همدل و همراه همسران خود باشند. در این صورت تمایل به فرزندآوری در بانوان تقویت می‌شود و گرنه مادر شدن برای زن شاغل نوعی مجازات و فشار مضاعف قلمداد می‌گردد. بالا بردن حقوق‌ها در بخش کارمندان دولت به شکلی که رابطه منطقی با تورم و گرانی داشته باشد، کمک‌های جنسی و حمایت‌های آنها از نظر مسکن می‌تواند، زنان را به ماندن در خانه تشویق نماید. در صحبت با بسیاری از مادران شاغل به این نتیجه رسیده‌ام که بیش از 60 درصد از این بانوان قلباً راضی به اشتغال نیستند. چرا که تغییر سبک زندگی در دوران ما باعث شده زندگی ساندویچی و غذایی کنسرو شده جای سفره‌های پرمهر را گرفته و در بسیاری از اوقات زن و شوهر برای یکدیگر در سبک زندگی جدید روی کاغذ یادداشت می‌گذارند و گاه در دیدار اقوام و والدین خود ماه‌ها تاخیر می‌اندازند. تغییر سبک زندگی و گرایش به زندگی مصرف‌گرایانه و تشریفاتی در کنار چشم و هم‌چشمی و رقابت‌های غیرمترعارف رفتاری باعث شده بسیاری از خانواده‌ها زندگی خود را براساس روش‌های زندگی دیگران تنظیم کنند. سردی روابط، فاصله عاطفی بین اعضای خانواده از مقام سبک زندگی جدید است و روابط فراخانوادگی، فرزنشویی از ارمغان‌های تغییرات روش زندگی است.

دکتر مجید ابهری با اشاره به اینکه راه نجات ما در بازگشت به سبک زندگی ایرانی اسلامی است، می‌گوید: نه در مقاله و همایش بلکه در عمل. در حال حاضر متاسفانه در فیلم‌ها و سریال‌ها نیز سبک زندگی دیگران الگوی رفتاری ما قرار می‌گیرد. نهادهای فرهنگی نیز در مقابل این تغییرات آزردهنده اکتفا به فعالیت‌های نظری دارند. بنابراین باید بدانیم که فاصله گرفتن از سبک زندگی اصیل خودمان باعث بروز ناهنجاری‌هایی خواهد شد که بسیاری از آنها غیرقابل جبران و ترمیم هستند.

#### مقوله اشتباه تشویق‌های افراطی ازدواج

یک جامعه شناس با تفکیک شاغل بودن زن و مرد در یک خانه به تهران امروز می‌گوید: گاهی مرد کار می‌کند، زن خانه‌دار است. ولی به تازگی نوعی وارونگی اتفاق افتاده و مرد در خانه می‌ماند و زن کار می‌کند که در این مورد نقش‌های اجتماعی آنها نیز دچار دگرگونی می‌شود. سومین دسته زن و شوهرانی هستند که هر دو کار می‌کنند. خانواده‌هایی که زنان شاغل هستند، بیشتر در خطر متلاشی شدن هستند. چهارمین خانواده‌هایی هستند که متاسفانه جفت زن و مرد بیکار هستند. آنها خانواده تشکیل دادند ولی به اشتغال دست نیافته‌اند. اگر به جوانان شغل مطلوب و مناسب را بدهیم، خودشان می‌دانند که چگونه زندگی تشکیل دهند. این افراد که هر دو بیکار هستند، تحت‌تاثیر تبلیغات افراطی در مورد ازدواج قرار گرفته‌اند و قبل از اشتغال تن به ازدواج داده‌اند. دکتر جعفر بای در ادامه با اشاره به اینکه در عصر حاضر به علت غلبه نیازهای کاذب اقتصادی هزینه زندگی فوق‌العاده افزایش پیدا کرده و حقوق یک فرد (مرد خانه) کفایت زندگی را نمی‌کند، می‌افزاید: این امر شرایطی را بر زندگی تحمیل کرده که زنان دوشادوش مردان در بیرون از منزل به کار، تلاش و فعالیت بپردازند. نسبت زنان به مردان در سیستم اشتغال اداری یک به هفت (یک مرد و هفت زن) است. بین نقش مادری و همسری با نقش اداری و کارمندی تضاد و تعارض جدی وجود دارد. این امر باعث یک‌نوع نگرانی، استرس و اضطراب در زنان شاغل می‌شود. اینکه همسر نمونه شوند یا کارمند نمونه. غیبت زن در منزل به مراتب آسیب‌زاتر از مردان است. چون زن افزون بر یک همسر و مادر، مدیر خانه هم هست و حضورش در منزل بسیار ضروری است. کار کردن زنان، مبادله‌ای غیرمنطقی است. زنان به هر طمع که به سر کار می‌روند، چیزهایی که از دست می‌دهند ارزش بیشتری دارد تا چیزهایی که به دست می‌آورند.

او با بیان آنکه، این پدیده باعث پیدایش کلید به دستان کوچک شده است، ادامه می‌دهد: والدین شاغل بیرون از منزل،

فرزندان نگران و سرگردان می‌شوند و از خردسالی باید کلید به دست خودشان تنها در منزل زمان طولانی را سپری کنند. طبیعتاً این کودکان با مشکلات فراوانی دور از حضور پدر و مادر باید دست و پنجه نرم کنند. مهارت مدیریت خانه‌داری (غذا پختن، حمام کردن، لباس شستن و...) را داشته باشند. این پدیده خانه را از حالت مرکز آموزش، کانون محبت و مهرورزی، مرکز تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، مهد آموزش و تربیت به محلی برای استراحت و رفع خستگی تبدیل کرده است. چنین خانواده‌هایی فرصت تربیت فرزندان را ندارند و از همه مهم‌تر در انتقال موارث فرهنگی بسیار ناکارآمد و ضعیف هستند. ارتباطات بین فرزندی خانواده بسیار ضعیف است و مجال گفت‌وگویی خانواده وجود ندارد و گردهمایی پای سفره برای خانواده شکل نمی‌گیرد.

دکتر بای برای حل این معضل می‌گوید: مقوله دورکاری که در دولت قبل شعارش داده شد ولی عملاً اتفاق جدی در این زمینه نیفتاد در این دولت به ورطه فراموشی سپرده شد. ولی دورکاری برای نجات خانواده‌ها روش درمانی خوبی بود. دولت می‌تواند دورکاری را در دستور کار خود قرار دهد و به زنان با حفظ موقعیت اجتماعی و کارمندی‌شان فرصت بیشتری در منزل دهد. آسیب رسانه تلویزیون به عنوان یک عنصر مزاحم برای گفت‌وگو باید در اینگونه خانواده‌ها به حداقل زمان استفاده برسد. مدیریت زمان در اینگونه منازل باید به‌گونه‌ای باشد که در فرصت اندک حضور بیشترین مجال گفت‌وگو و ایجاد تعامل چهره‌به‌چهره بین اعضای خانواده برقرار شود. تعاملات بین فردی را با برنامه‌های گردش در خارج از منزل افزایش دهند و با خاطراتی گره بزنند که با هم بودن برایشان ماندگار باشد. چون این خانواده‌ها در معرض جدی آسیب‌های جدی هستند باید توسط نهادهای حمایتی مورد حمایت‌های ویژه قرار بگیرند.